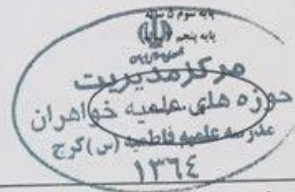


امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نوبت دوم ۹۲-۹۱



ردیف:		
شماره برگه: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
شماره یا نام صحیح اول	نمره عدد	نمره به حرف
شماره یا نام صحیح دوم	نمره عدد	نمره به حرف

کتابخانه:	۲۹۱۲/۰۴
تاریخ:	۱۳۹۲/۴/۲
موضوع:	اصول فقه ۱
کتاب:	دروس فی علم الاصول (ترجمه حلقه اولی)
مدرس:	کل کتاب

نام و نام خانوادگی: نام پدر: که تکلیف: مدرسه علمیه: شهرستان: استان:

۱- عمومی ترین قاعده و عنصر مشترک اصولی کدام است؟

۰/۵

- الف. اصل برائت
- ب. حجیت قطع
- ج. حجیت ظواهر
- د. حجیت خبر واحد

۲- مفهوم غایت در جمله «صم حتی تغیب الشمس» کدام است؟

۰/۵

- الف. صم قبل مغیب الشمس
- ب. افطار بعد مغیب الشمس
- ج. لا یجب الصوم بعد مغیب الشمس
- د. لا یجب الافطار قبل مغیب الشمس

۳- از حیث اصولی در جمله «تصدق» (امر به صدقه دادن) چند اسم و حرف به ترتیب وجود دارد؟

۰/۵

- الف. دو حرف و دو اسم
- ب. دو حرف و یک اسم
- ج. دو اسم و یک حرف
- د. یک حرف و یک اسم

۴- چرا «حرمت» در «عبادات» مستلزم بطلان است؟

۰/۵

- الف. تضاد بین صحت عبادت و حرمت آن
- ب. امر به شیء مستلزم نهی از ضدش است.
- ج. امتناع اجتماع امر به عبادت و نهی از آن
- د. عدم امکان قصد قربت در عبادت محرمه

۵- علت عدم اجرای استصحاب در مثال «اگر بدانیم چوبی نجس است و تبدیل به خاکستر شود سپس شک کنیم در نجاست خاکستر» چیست؟

۰/۵

- الف. عدم اثر شرعی
- ب. عدم یقین سابق
- ج. شک در بقاء یقین
- د. عدم وحدت موضوع

۶- مراد از «اماره» چیست؟

۰/۵

- الف. دلیل ظنی معتبر
- ب. اصل عملی معتبر
- ج. دلیل محرز معتبر
- د. اصل محرز معتبر

۷- دلیل «جواز استنباط» برای حکم شرعی چیست؟ چرا برخی با این استنباط مخالفند؟

۲

۱- مراد از «حجیت قطع» چیست؟ توضیح دهید. ص ۳۳ - ۲ نمره

۲

جواب: مراد از حجیت قطع معذرت و منجزیت می باشد. اما معذرت یعنی اگر عیدی به دلیل عمل به قطع [که مخالف واقع بوده است] مخالفت با مولا نماید می تواند عذر بیاورد که عملش مطابق قطعش بوده است و مولا او را عقاب نمی کند و اما منجزیت یعنی اگر عیدی به دلیل عدم عمل به قطعش [که مطابق واقع بوده است] با مولا مخالفت نماید مولا می تواند او را عقاب کند.

۹- دلالت ذاتی لفظ بر معنا را به همراه مثالی تبیین کرده، نقد کنید. ص ۳۷ و ۳۸ - ۲ نمره

۲

جواب: در دلالت ذاتی ذات به تنهایی بدون دخالت امر دیگری، منشأ دلالت است، مثلاً ذات لفظ آب بدون دخالت هیچ امری از خارج دلالت بر مایع خاص می کند. (۱ نمره) اگر دلالت لفظ بر معنا ذاتی بود لازمه اش این بود که همه مردم با زبان های مختلف بدون اینکه با زبان فارسی آشنایی داشته باشند، با شنیدن لفظ آب به مایع خاص منتقل شوند. در حالی که چنین چیزی باطل است پس مقدم که همان دلالت ذاتی لفظ است باطل است. (۱ نمره)

۱۰- لحاظ الی و استقلالی لفظ و معنا را با ذکر یک تنظیر توضیح دهید. ص ۴۰ - ۲ نمره

۲

جواب: مستعمل وقتی لفظی را در یک معنا استعمال می کند، آن چه را حقیقتاً لحاظ می کند معنا است و لفظ مورد غفلت واقع می شود، مانند شخصی که برای دیدن خودش به آینه نگاه می کند، خود آینه مورد غفلت واقع می شود و از آن به عنوان ابزاری برای دیدن خودش استفاده می کند. لفظ هم همین گونه است. ابزاری است برای انتقال معنا و اگر نه خودش موضوعیت ندارد.

۱۱- در بحث «اطلاق»، چرا عدم ذکر قید توسط متکلم دلالت بر شمول می کند؟ ص ۵۰ - ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب: زیرا ظاهر حال هر میگویم این است که با کلام خود همه مراد خود را بیان می کند، لذا اگر مقیدی را اراده کرده باشد باید قید را ذکر کند، پس عدم ذکر قید دلالت بر عدم دخالت قید در مرادش دارد و مرادش عموم و شمول است.

۱۲- دلیل «حجیت أصالة الظهور» را تقریب نمایید. ص ۵۴ - ۲ نمره

۲

جواب: این دلیل از دو مقدمه تشکیل یافته: (۱) سیره اصحاب از آن جهت که از عقلاء هستند بر عمل به ظواهر کتاب و سنت است، یعنی ظواهر را وسیله ای برای فهم مراد شارع می دانند. (۲) این سیره در نزد معصومین شکل گرفته یعنی آنان این سیره را از اصحاب می دیدند و از آن نهی نمی کردند. عدم ردع آنان امضای سیره به شمار می رود و آن را حجیت می کند.

۱۳- مراد از «خبر واحد» چیست؟ یک دلیل برای حجیت آن بنویسید. ص ۵۷ و ۵۸ - ۲ نمره

۲

جواب: خبر واحد خبری است که به حد توأتر نرسد یعنی مفید علم نباشد خبر واحد می گویند، حتی اگر مخبر متعدد باشد (۰/۵ نمره) دلیل: آیه شریفه نبا «یا ایها الذین آمنوا ان جاءکم فاسق بینه فنبهوه» (احزاب) با توجه به مفهوم شرط زیرا در منطوق وجوب تبیین منوط شده به آمدن فاسق با خبر و مفهوم آن می شود در صورتی که غیر فاسق یعنی عادل خبر را آورد تبیین لازم نیست و از طرفی عدم تبیین عرفاً مساوی است با حجیت پس خبر واحد عادل حجت است. (۱/۵ نمره) دو دلیل دیگر در کتاب

۱۴- چرا نهی در عبادات مستلزم بطلان است و در معاملات چنین استلزامی ندارد؟ ص ۶۶ - ۲ نمره

۲

جواب: نهی در عبادات کشف از منوعیت آن عبادت می کند و از آن جهت که با شیء مبعوض نمی توان تقرب پیدا کرد، عبادت باطل می شود ولی در معاملات صحت متوقف بر تقرب نیست. یعنی یک معامله می تواند در عین این که مبعوض است صحیح واقع شود و اثرش مترتب شود، مانندظهار که مبعوض مولی است ولی چنانچه کسی مرتکب شود اثر بر آن مترتب می شود.

۱۵- «مقدمه وجود» و «مقدمه وجوب» را تعریف نموده و فرق آن دو را از حیث ثمره بنویسید. ص ۷۰ - ۲ نمره

۲

جواب: مقدمه وجود: آن چه که وجود واجب متوقف بر آن است، بدون این که در موضوع وجوب شرط شود. (۰/۵ نمره) مقدمه وجوب: آن چه که وجود واجب متوقف بر آن است و در موضوع وجوب شرط شده است. (۰/۵ نمره) فرق: در اولی وجوب قبل از تحقق مقدمه ثابت است و مکلف را به آوردن آن تحریک می کند، ولی در دومی وجوب قبل از تحقق مقدمه ثابت نیست، زیرا در موضوع وجوب شرط شده است و تا موضوع فعلی نشود وجوب فعلی نخواهد شد در نتیجه تحصیل مقدمه وجوب بر مکلف واجب نیست. (۱ نمره)